

سهم زنان

در تاریخ مهاجرت

ترجمه و تلخیص از مرضیه

در روز یکشنبه، سوم نوامبر ۲۰۰۲ جلسه ای از سوی "آنارکو فمینیست" های سوئیس در شهر زوریخ برگزار گردید. در این نشست پیرامون وضعیت زنان خیابانی، بحث و تاکید گردید، که علی رغم اینکه ما در اروپا زندگی میکنیم، ولی این مسئله همچنان تابو است و جامعه از پذیرش این قشر همچنان سر باز می زند. این گونه زنان خود به خود ایزوله شده و با جامعه ای که در آن زندگی می کنند کاملاً بیگانه هستند. در این جلسه عدم تشکل زنان خیابانی به عنوان یک ضعف جدی مورد تاکید قرار گرفت و طرح گردید که، مسئله مهاجرت با مسئله روسپی گری این گونه زنان، با سیاست کشور میزبان گره خورده است. نداشتن کار، مسکن و اجازه اقامت بسیاری از زنان مهاجر را به تن فروشی واداشته است، این زنان از وارد شدن به جامعه وحشت داشته زیرا جامعه قادر به درک و پذیرش آنها نیست. بر اساس آمار انتشار یافته از سوی ارگانهای رسمی سوئیس، قریب ۹۰٪ زنان روسپی مهاجر از کشورهای برزیل، آرژانتین و آفریقا در سوئیس مبتلا به بیماری ایدز بوده و چون به صورت غیر قانونی در این کشور زندگی می کنند، امکان دسترسی به خدمات پزشکی و معالجه ندارند.

در رابطه با موضوع فوق، مطلبی را ترجمه کرده، که به سهم زنان در تاریخ مهاجرت اشاره دارد.

علم به طور طبیعی، اختلاف بین زن و مرد را ناشی از "جنسیت" آنان دانسته و جامعه آن را به عنوان یک امر بیولوژیکی به رسمیت شناخته است. براساس این تعریف، خصایل، اشتغال، وظایف و انتظارات، به نوع جنسیت پیوند خورده است. به عبارت دیگر، در یک فرهنگ خاص و در وضعیت اقتصادی و اجتماعی حاشیه ای، مرد و یا زن بودن به چه معناست؟ مدت زیادی مسئله مهاجرت امری کاملاً مردانه بوده و سهم زنان در مسئله مهاجرت نادیده گرفته می شد. مسئله مهاجرت به طور جدی در اواخر سال ۷۰ مورد بررسی و تحقیق

قرار گرفته و از زوایای مختلفی مورد توجه واقع شده است.

در کشور سوئیس حدود یک میلیون و سیصد هزار مهاجر زندگی میکنند. ۱۴/۶٪ از این افراد متعلق به کشورهای غیر اروپائی بوده، که بیشترین سهم را در این رابطه زنان مهاجر تشکیل می دهند.

آمار اداره اتبء خارجی اعلام می کند، که از مجموع ۲۳۶۲ نفر مهاجر که در سال ۱۹۹۶ از جمهوری دمیونیکن وارد کشور سوئیس گردیده اند، ۲۴۷۸ نفر را زنان تشکیل داده اند. نه تنها در سوئیس، بلکه در کل اروپا بیش از نیم میلیون نفر فیلیپینی زندگی می کنند که ۸۰٪ از این افراد زن می باشند. مسئله تجارت زن در اروپا سابقه ای کاملاً طولانی دارد که از آمریکای

لاتین تا زمان تسخیر اسپانیا را در بر میگیرد. در قرن شانزدهم برده های آفریقای را خریداری کرده و به آمریکا ی لاتین می بردند. این کار با اهداف مختلفی از جمله بعنوان استثمار، نیروی کار ارزان، مسائل جنسی و تولید نسل صورت می گرفت. در زمان استعمار، همچنین زنان اروپائی بدین منظور به آمریکای شمالی و شرق تجارت می شدند. به طور مثال بوینس آیرس بزرگترین بازار خرید و فروش زنان بشمار میرفت. همچنین در همان عصر، زنان آلمانی خریداری شده و به حرم ترک ها در سبیری، هند، سنگاپور تا فرانسیسکو و شیکاگو فرستاده می شدند. در آن زمان از زنان اروپائی (سفید پوست) به عنوان نیروی کار ارزان استفاده می گردید. از سال ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ بیش از ۵ میلیون آلمانی کشور خود را ترک کرده که بیش از ۴۵٪ از آنان، زنان بودند. تازه ترین ماجرا به جنگ ویتنام ارتباط پیدا می کند که زنان از کشورهای تایلند و فیلیپین، برای لذت جوئی های سربازان آمریکائی تجارت گردیده تا در مرکزی به نام "مابقی مرکز تفریح" مورد سوء استفاده های جنسی قرار گیرند. امروزه مدت هاست که جهت مهاجرت تغییر کرده و زنان مورد نظر از نقاط مختلف به کشورهای آلمان، اتریش و سوئیس مهاجرت می کنند. امر مهاجرت زنان، دلایل گوناگونی دارد.



مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، جنگ، حوادث طبیعی از قبیل سیل و... بحران اقتصادی، مسئله استثمار و بالاخره فشار خانواده بر زنان از جمله دلایلی هستند که زنان را وادار به امر مهاجرت می کنند. در بازار جهانی کار، چه به طور قانونی و یا چه غیر قانونی، زنان به عنوان نیروی کار ارزان در رستوران ها، به عنوان خدمتکاران ادارات و یا به عنوان نظافتچی در خانه ها به کار گرفته می شوند، زیرا زنان و مردان کشورهای میزبان خود به این قبیل کارها تن در نداده، به همین خاطر زنان مهاجر به راحتی در این راستا به استخدام در می آیند. همچنین در بازار جهانی، تلاش بسیار زیادی برای جذب زنان مهاجر برای روسپی گری و یا کار در

بارها، دیسکو ها و یا به عنوان اشتغال به کار رقاصه گری صورت می گیرد. به ویژه زنان ازدواج کرده به عنوان زنان مجرب در امر سکس بیشتر مورد تقاضای این گونه بازارها هستند. همچنین زنان و دختران پاکستانی، کویتی، عربستان سعودیائی و ... به عنوان نیروی کار ارزان برای انجام کار های خانگی به استخدام درآمده و مورد سوء استفاده قرار می گیرند.

راستی چه عواملی باعث روی آوری زنان مهاجر به کشورهای چون سوئیس، اتریش و یا آلمان می شود و چرا این زنان به کشورهای دیگری مهاجرت نمی کنند؟

زنانی که بطور مشخص به صورت غیر قانونی وارد سوئیس می شوند عمدتاً در مشاغل ذکر شده مشغول به کارند. در کشوری چون سوئیس شانس استخدام با مسئله ملیت گره خورده و خود بخود برای مهاجرین شانس در بازار کار وجود ندارد. در مراکز مشاوره شغلی، با زنان مهاجر کاملاً سطحی و فرمالیته مشاوره شده و اطلاعات درست در رابطه با انتخاب رشته تحصیلی، امکانات موجود و بازار کار در اختیار آنان قرار نمی داده نمی شود، چونکه مدارک تحصیلی از کشورهای جهان سوم در این کشور فاقد ارزش است. عمده زنانی که دارای تحصیلات عالی هستند در رشته های